

فصل‌نامه بین‌المللی علمی _ تخصصی مطالعات زبان فارسی (شفای دل سابق)

سال ششم، شماره چهاردهم، تابستان ۱۴۰۲ (ص ۳۹-۶۰)

مقاله پژوهشی

Doi: 10.22034/JMZF.2024.414572.1160

بررسی بن‌مایه ستایش ایزدان در کتیبه‌های پیش از اسلام

(به زبان‌های فارسی باستان و فارسی میانه)

محمد شهبازی ابراهیم اقبالی^۲

چکیده

کتیبه‌ها، به سنگ‌نوشته‌هایی گفته می‌شود که منابع بازمانده از زبان و خط ایران باستان است. از لحاظ خط و تنوع زبانی (فارسی باستان، عیلامی، بابلی) کتیبه‌های هخامنشی از برجسته‌ترین کتیبه‌های بر جای مانده است. نگارندگان کتیبه‌ها معمولاً واقعه تاریخی یا پیام پادشاه وقت را در آن حک می‌کردند تا در برابر دید عموم مردم قرار بگیرد. شاخص‌ترین مشخصه کتیبه‌های مربوط به دوره هخامنشی و ساسانیان (فارسی میانه) ستایش اهورامزدا و یاری‌های او و ذکر سلطنت است. از آنجاکه پژوهشگران زبان فارسی چندان به ستایش در کتیبه‌ها نپرداخته‌اند و جای خالی آن در پژوهش‌های زبان فارسی احساس می‌شود، ما در این جستار بر آن هستیم تا با مطالعه چندین کتیبه از دوره‌های یادشده به بررسی ستایش اهورامزدا در آن‌ها بپردازیم. فرض ما بر این است که بنا بر کتیبه‌های متعدد از دوره هخامنشی، بسامد ستایش در این کتیبه‌ها بیشتر از سایر کتیبه‌ها است. روش تحقیق ما در این پژوهش به صورت تحلیلی - توصیفی و کتابخانه‌ای است.

واژه‌های کلیدی: کتیبه، ستایش، فارسی باستان، داریوش، هخامنشی.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تبریز، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

shabe_vasl@yahoo.com

۲. دانشیار گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تبریز، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، تبریز، ایران.

eghbaly@tabrizu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۰

۱. مقدمه

کتیبه‌ها سند مکتوب و حجاری شده بر پیکره سنگ‌ها و سر در بناهایی است که به دیرینگی ایران باستان و گستردگی و دادگستری پادشاهان آن گواهی می‌دهد. نخستین کتیبه‌ها از دوره هخامنشی بر جای مانده است که به سه زبان پارسی باستان، عیلامی و بابلی و با خط میخی نوشته شده است که همین امر سبب شده است اختراع خط میخی را به داریوش بزرگ نسبت دهند. از جمله کتیبه‌های بنام و مشهور هخامنشی می‌توان به کتیبه‌های آریارمنه، ارشامه، کوروش دوم، داریوش اول، خشایارشا، اردشیر اول و دیگران اشاره کرد.

علاوه بر کتیبه‌های دوره هخامنشی، کتیبه‌های فرمانروایان ساسانی نیز از لحاظ ثبت زبان فارسی میانه در کتیبه‌ها حائز اهمیت است. سنگ‌نوشته‌های فارسی میانه در مقایسه با کتیبه‌های هخامنشی مختصر هستند که اغلب به نام و لقب و نسب پادشاه پرداخته شده و شرح فتوحات و نام شهرهای فتح شده است. گفتنی است که کتیبه‌های این دوره اغلب به دلیل ساییدگی و فرسودگی ناخوانا هستند و از دستبرد حوادث در امان نمانده‌اند. کتیبه‌های دوره نخست ساسانی نیز همانند کتیبه‌های هخامنشی سه زبانی هستند؛ با این اختلاف که در این دوره کتیبه‌ها به زبان‌های پارسی میانه، پارتی و یونانی نوشته می‌شد - که از مهم‌ترین کتیبه‌های این دوره کتیبه شاپور، نرسی و کرتیر است.

ستایش ایزدان از گذشته کهن در نثر و نظم ایران باستان برجای مانده است؛ که در آغاز سخن و در دیباچه‌ها نقش می‌بندد. ستایش‌ها بیشتر بر شمردن صفات شکوه و عظمت ایزدان و پاک دانستن آنان از هر آلالشی است که بدون یاری ایشان نمی‌توان به پیروزی دست یافت. همین نکات در سنگ‌نوشته‌های برجای مانده از دوره هخامنشیان نیز بیشتر به چشم می‌خورد. همان‌گونه که داریوش پی در پی فتوحات خود را در یاری و خواست اهورامزدا می‌داند.

«براساس دستور زبان فارسی باستان، صفت اغلب با حروف مفتوح پایان می‌یابند و صفاتی که جز این مشخصه داشته باشند، بسیار اندک است. صفاتی که به مصوت / ختم شود بسیار ناچیز است. در فارسی باستان صفت و موصوف باهم مطابقت می‌کنند» (رضی، ۱۳۶۷: ۲۲).

«نخستین گام‌برداری در راه رمزگشایی خطوط کتیبه‌های هخامنشی به قرن هفدهم میلادی برمی‌گردد که گارسیا دو سیلوا فیگوئرا (Figuerola Silva García de) در سال ۱۶۱۸ میلادی از تخت جمشید یا چهل منار آن دوران بازدید می‌کند و شرح این بازدید را در سال ۱۶۶۷ میلادی در پاریس منتشر می‌سازد از آن پس ایران‌شناسانی [از جمله گروتفند، کوردو، جونز، بورنوف، راولینسون و بسیاری دیگر] این عرصه را نوردیده‌اند و ثمره سال‌ها تلاش خود را در اثرهای به‌جای ماندنی عرضه کرده‌اند» (لوکوک، ۱۳۸۹: سیزده).

به اساس فرضیهٔ ما، نام اهورامزدا در سنگ‌نوشته‌های هخامنشی بسامد بیشتری دارد و دلیل اصلی آن نیز به متعدد بودن کتیبه‌های هخامنشی نسبت به کتیبه‌های ساسانی برمی‌گردد. الفبای فارسی باستان از الفبای اکدی و الفبای اکدی از الفبای سومری گرفته شده است. این الفبا سی و شش حرف و دو واژه‌جداکن با هشت اندیشه‌نگار برای مفاهیم بغ (خدا)، ده (کشور)، بوم (سرزمین)، شاه، زمین، اهورا مزدا (در حالت فاعلی و اضافی) دارد.

پرواضح است که برای آسان بودن نگارش، تنها با نوشتن یکی یا دو حرف به‌صورت اختصاری از نگارش کامل واژه - که به‌صورت مکرر به کار می‌رفت و جای زیادی اشغال می‌کرد - از ایدئوگرام یا معنی‌نگار استفاده می‌شد. بر همین اساس بود که تنها به اهورا مزدا اشاره شده است و نامی از سایر ایزدان در سنگ‌نوشته‌ها دیده نمی‌شود.

البته باید گفت، کتیبه‌های فارسی باستان با فارسی میانه از لحاظ زبانی تفاوت‌هایی دارند. «در فارسی میانه H پایانی از میان رفته است. در نتیجه شناسه‌های فعلی >>

«yh»، «eh-» دوم شخص اخباری و «ah-» دوم شخص مفرد التزامی e و a تلفظ شده‌اند. موردی که بسیار دیده می‌شود، h زینتی است که بعد از a پایانی برای پُر کردن جای خالی می‌آید» (بویس، ۱۳۸۶: ۳۵).

هزوارش‌ها نیز در فارسی میانه کارکرد زیادی دارند. «هزوارش به واژه‌ها یا بخش‌هایی از یک واژه گفته می‌شود که به زبان آرامی و خط پهلوی نوشته می‌شد؛ اما هنگام خواندن آن‌ها برابر فارسی میانه آن‌ها تلفظ می‌شد. به‌عنوان مثال: «YWM» می‌نوشتند و «روز» می‌خواندند» (باقری، ۱۳۹۱: ۹۰). به همین سبب نام اهورامزدا در کتیبه‌های ساسانی نسبت به کتیبه‌های هخامنشی چندان دیده نمی‌شود.

۱-۱. بیان مسئله و سؤالات تحقیق

مهم‌ترین مسئله‌ای که در این پژوهش می‌شود به بیان آن پرداخت، کمبود اطلاعات از دوران باستان و زبان پارسی میانه و خط میخی است که توجه چندانی به میراث شکوه‌مند ایران باستان نمی‌شود و اغلب منابع از سوی مستشرقان غربی به دست ما رسیده است و جای خالی آن در بین پژوهش‌های نوین زبان فارسی احساس می‌شود. پژوهشگران و دانشجویان زبان و ادب فارسی و تاریخ ایران باستان باید بیش از پیش به این موضوع بپردازند تا دستبرد حوادث، بیش از این سنگ‌نوشته‌های باستانی که هویت و سند ایران و ایرانی است را از بین نبرد.

پرسش‌هایی که باید برای آن پاسخ متقنی بیابیم، به این ترتیب است:

- در کدام یک از دوره‌ها ستایش اهورامزدا بسامد بیشتری دارد؟
- علاوه بر اهورامزدا در کتیبه‌ها از ایزدان دیگر نیز نام برده شده است؟
- آیا در همه کتیبه‌های به‌جا مانده نام اهورامزدا آمده است؟
- اهورامزدا بیشتر به چه صفتی ستایش شده است؟

۱-۲. اهداف و ضرورت تحقیق

هدف اصلی ما در این جستار، بررسی ستایش اهورامزدا در کتیبه‌های برجا مانده از ایران باستان است. هدف فرعی ما نیز پیگیری ستایش در سنگ‌نوشته‌های هخامنشی و ساسانی است که در کدام‌یک از آن‌ها بسامد بیشتری دارد.

پُر اهمیت و ضروری می‌نماید که ما با پژوهش‌های خود به اعتلای فرهنگ، دین و زبان و ادب ایران که موجب گسترش ایران‌پژوهی می‌شود، قدمی برداریم.

«بحث باور دینی در عصر هخامنشی مورد اختلاف است و در واقع برخی منابع کوروش و کمبوجیه را پیرو میترا می‌دانند» (ام. یامائوچی، ۱۳۹۰: ۴۸۰) یا اعتقاد به سه خدایی (مهر، میترا و اهورامزدا) که اهورامزدا در رأس قرار داشت، در میان هخامنشیان رایج بود.

با این حال در برهه‌ای از حکومت خشایارشا، یگانه‌پرستی هخامنشیان در منابع دیده می‌شود که این پرستش دیری نپایید که در عصر ساسانی با بدعت «زروانی» روبه‌رو می‌شویم. آیین زروانی از دین زرتشتی مشتق شده بود و در عصر ساسانی جایگاه والایی داشت. به باور زروانیان اهورامزدا و اهریمن فرزند زروان (ایزد زمان) هستند. این بدعت، گونه‌ای دیگر از یکتاپرستی بود.

۱-۳. پیشینه تحقیق

- محمد معین در سال ۱۳۲۵ در نشریه آهنگ مقاله‌ای با عنوان «جنبه دینی کتیبه‌های هخامنشی» منتشر کرده است که در این جستار به کتیبه‌های هخامنشی ممارست ورزیده و آن را از حیث دینی بررسی کرده است.

- مقاله «مطالعه مبحث مشروعیت حکومت‌های ایران باستان براساس کتیبه‌ها» (۱۳۹۸)، پژوهشنامه تاریخ، به پژوهش احسان اکبری و همکاران‌شان که در این مقاله پژوهشگران به فرهنگ و تمدن هخامنشیان پرداخته‌اند و طبق کتیبه‌ها چنین برآیند

کرده‌اند که هخامنشیان حکومت را شایسته تأیید الهی و تبار و خصایص نیک اخلاقی می‌دانند.

- در سال ۱۳۸۹ در نشریه «زبان‌شناخت» شماره نخست، مقاله‌ای با عنوان «کتیبه سغدی» چاپ شد که پژوهشگر (زهرة زرناس) با آوانویسی کتیبه به بررسی آن پرداخته است که متن کتیبه در شرح ماجرای قصه‌ای است که به احتمال بسیار به حلقه داستانی ذونک تعلق دارد.

۲. بحث و یافته‌های تحقیق

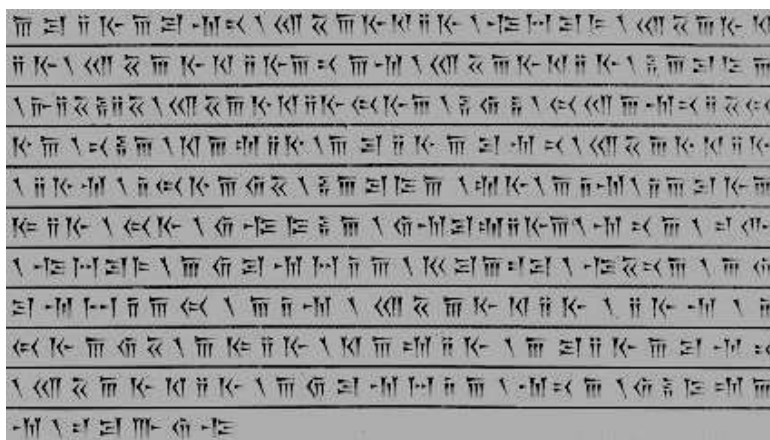
۲-۱. کتیبه‌های هخامنشی

کتیبه‌های هخامنشی گسترده و شامل ستون‌هایی با سطرهای متفاوت است. این کتیبه‌ها اغلب به سه خط میخی (فارسی باستان، بابلی و عیلامی) نگاشته شده است. درون‌مایه‌های ستایش در این دوره از کتیبه‌ها به شرح زیر است که با آوردن شواهدی چند به بررسی هریک می‌پردازیم:

۲-۱-۱. یاری‌گر

«در کتیبه‌های به‌جا مانده از دوره هخامنشیان، شاهان همه کارهای بزرگ خود را از یاری و عنایت اهورامزدا دانسته‌اند و اهوره مزدا را بزرگ‌ترین خدایان، یاری‌گر دادرس، خدای سرمدی که همواره شادی و آسایش را برای آدمی به ارمغان می‌آورد» ستوده‌اند (یانگ و گیرشمن و همکاران، ۱۳۸۵: ۴۰).

«در کتیبه اریارمنه در همدان که برخی پژوهشگران به لحاظ آن که ابداع خط میخی به داریوش برمی‌گردد، آن کتیبه‌ها را متعلق به دوران‌های متأخرتر از خود ارشام و اریارمنه می‌دانند» (اکبری و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۹). «اهوره مزدا را برای یاری‌گری می‌خواند: اهوره‌مزدا مرا یاری [دهاد]» (لوکوک، ۱۳۸۹: ۲۰۷).



شکل ۱. لوح طلای آریارمنه (اطلس تاریخ ایران)

این ستایش با یک کتیبه به سرانجام نمی‌رسد؛ بلکه در سنگ‌نوشتهٔ نقش رستم نیز قابل مشاهده است. نقش رستم محوطه‌ای باستانی متشکل از چندین مقبره است که متعلق به پادشاهان هخامنشی، عیلامی و ساسانی ایران است. نقش رستم در کنار نقش رجب در یک کوه مقدس تراشیده شده‌اند که به مسیر اصلی جادهٔ ابریشم نگاه می‌کنند تا کاروان‌های عبوری بتوانند شکوه پادشاهان ایرانی را ببینند.

داریوش شاه می‌گوید: «آنچه کرده شد، همه را به خواست اهوره‌مزدا کردم. اهوره‌مزدا یاری خود را به من داد» (همان: ۲۶۳).

در تخت جمشید در کتیبهٔ اردشیر اول نیز اهوره‌مزدا با این صفت ستایش شده است. «اردشیر که نام اصلی او/رسس است و اردشیر، به معنی فرمانروایی ارته (تقوی و فضیلت) نام سلطنتی اوست، دومین پسر از سه پسر رسمی خشایارشا از ملکه امستریس، دختر هوتن (اتانس) بود» (رجبی، ۱۳۸۱: ۳/۶۲).

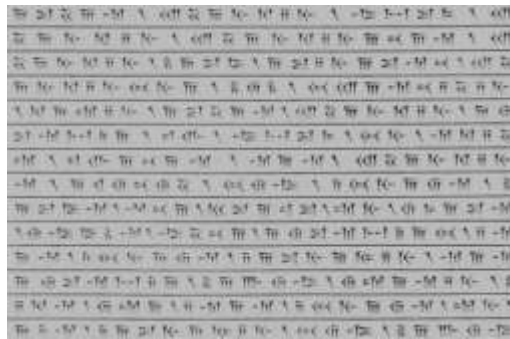
«با یاری اهوره‌مزدا، این کاخ را که خشایارشا پدرم ساخت، من آن را به پایان رساندم» (لوکوک، ۱۳۸۹: ۳۱۹).

۲-۱-۲. بزرگی

جلال و بزرگی اهورا مزدا نه تنها در کتیبه‌های حکاکی شده آمده است؛ بلکه در تعالیم زرتشت نیز می‌توان آن را دید. «ای راستی شکوه‌منش! پاک را از آن من ساز. تو ای آرمتی حاجت گشتاسب و مرا برآر» (اهنود گات، یسنای ۲۸، قطعه ۸: ۷).

در اغلب کتیبه‌های هخامنشی اهورامزدا با صفت بزرگی یاد شده است. به‌عنوان نمونه در کتیبه‌های اریارمنه، ارشامه، داریوش اول در همدان، تخت جمشید که در ذیل به ترتیب شواهدی از هر یک را درج می‌کنیم:

- «خدای بزرگ اهورا مزدا به من داد، به خواست اهوره‌مزدا من شاه این مردم هستم» (لوکوک، ۱۳۸۹: ۲۰۷).



شکل ۲. لوح طلای ارشامه (اطلس تاریخ ایران)

- «اهوره‌مزدا خدای بزرگ است، بزرگ‌ترین خدایان مرا شاه کرد» (همان: ۲۰۸).
- «این شهریاری است که من دارم، از سکاها که آن سوی سغدیانه هستند تا حبشه، از هند تا لیدیا همو که اهوره‌مزدا، بزرگ‌ترین خدایان مرا داد» (همان: ۲۶۰).
- «اهوره‌مزدا بزرگ است، بزرگ‌ترین خدایان. او داریوش را شاه کرد، شهریاری را به او داد» (همان: ۲۷۱).

۲-۱-۳. خواست و اراده

خواست و اراده اهورامزدا چنان در تاروپود ادبیات باستانی نقش بسته است که بعد از اسلام نیز به یک مفهوم فلسفی مبدل شده است که بین اراده و خواست خداوند رابطه‌ای در نظر گرفته می‌شود. اراده از صفات فعلیه خداوند است، به این طریق که عقل هنگامی که فعل خداوند را در نظر می‌گیرد، منشأ آن را از روی اختیار و دانش می‌دهد و از آن صفت اراده را استنباط می‌کند.

در کتیبه‌های به‌جا مانده از دوره هخامنشیان هیچ پادشاهی به‌اندازه داریوش به «اراده و خواست» اهورامزدا در سنگ‌نوشته‌ها اهتمام نورزیده است؛ به‌عنوان مثال:

- «به خواست اهوره‌مزدا من این سان هستم که دوست راستی هستم، با نادرستی دوست نیستم» (همان: ۲۶۵).

- «به خواست اهوره‌مزدا آن چه کردم، با این ویژگی‌هایی که اهوره‌مزدا به من بخشیده است آن را کردم» (همان: ۲۶۷).

خشایارشا، اردشیر دوم نیز از «به خواست اهورامزدا» در کتیبه‌های خود نقشی به‌جا گذاشته‌اند:

- «داریوش شاه پدرم به خواست اهوره‌مزدا، کارهای خوب بسیار کرد و فرمان داد این موضع را بکنند، از آن جا که فرمان نداد کتیبه بنویسند، آن‌گاه من دستور دادم که این کتیبه را بنویسند» (همان: ۳۱۷).

- «به خواست اهوره‌مزدا، آن‌اهیتا و میتره من این کاخ آپادانا را ساختم» (همان: ۳۲۳).

در کتیبه بیستون از داریوش اول عبارت پیشوندی «به خواست اهورا مزدا» در ستون ۱ بند ۱۳ سطر ۶۱، ستون ۲ بند ۶ سطر ۲۶-۲۷، ستون ۴ بند ۸ سطر ۴۵-۴۶، ستون ۵ بند ۲ سطر ۱۴-۱۷.



شکل ۳. کتیبه داریوش در بیستون (اطلس تاریخ ایران)

علاوه بر موارد اشاره شده داریوش شاه به اراده اهورامزدا نیز توجه ویژه‌ای داشته است: «به اراده اهورامزدا شاه هستم» (ربانی مقدم، ۱۳۹۰: ۵).

۲-۱-۴. پاداش و بخشش

پاداش و بخشندگی که در سنگ‌نوشته‌ها از آن یاد شده است، به هرگونه داد و دهشمندی اهورامزدا اشاره دارد. چنانچه از یسنا بر می‌آید، اهورامزدا در کتب دینی نیز به آن صفت ستوده شده است: «بدترین وجود باید تعداد زیادی از پیروان شر باشد و در بهترین حالت، هوشیاری پاداش درستکاران است» (Irani, yasna, 2019, 30: 4) یا در دیگر جا آمده است: «نیکوکاران پرستش درست، کسانی که قبلاً بوده‌اند و کسانی که اکنون وجود دارند، اهورامزدا آن‌ها را به خوبی می‌داند، من در دعاهاى خود آن‌ها را به نام آن‌ها فرا می‌خوانم و با احترام عمیق به آن‌ها نزدیک می‌شوم» (همان: 51:22)

- «این پادشاهی را اهورامزدا به من [داریوش] بخشید» (ربانی مقدم، ۱۳۹۰: ۶).

- «هرکس اهورامزدا را بپرستد، او را پاداش خیر دهد چه در زندگانی چه در مرگ» (همان: ۲۳).

- «هرکس اهورامزدا را بپرستد، موهبتی خدایی به او خواهد رسید چه در زندگانی و چه پس از مرگ» (همان: ۲۴).

در اغلب کتیبه‌های هخامنشی بخشش و دهش و پاداش از زبان داریوش است که به چند نمونه اشاره کردیم. این صفت اهورامزدا در منظومه‌های داستانی مربوط به ایران باستان همانند زراتشت‌نامه نیز آمده است:

خداوند بخشایش و دادگر ز بخشایش آرد به ما بر اثر

(بهرام پزودو، ۱۳۳۸: ۱)

۲-۱-۵. آفریننده

آفرینش، همیشه با اهورامزدا بوده است و همانند اهورامزدا کهن است. در بندهشن ساختار آفرینش به دو دسته مادی و غیر مادی تقسیم شده است. از آفرینندگان مادی آسمان، دیگر آب، سدیگر زمین، چهارم گیاه، پنجم گوسفند، ششم مردم، هفتم خود هرمزد بود (ر.ک: فرنیغ‌دادگی، ۱۳۸۵: ۳۷)؛ و غیر مادی نیز به این موارد پرداخته شده است: راست‌گویی، سروش، ماراسپند، نریوسنگ، رد بلند، رتوبرزیت، رشن راست، مهرفراخ چراگاه، اهرشونگ نیکو، پارند، خواب، باد، دادمندی، پیکار (دادخواهی و دفاع، آشتی و افزونگری).

«به عبارت کلی زرتشت در فلسفه خود جهان را بین راستی و دروغ می‌بیند و می‌کوشد آن را از بین ببرد و نور درستی را در دنیا بتاباند و این تابش انسان را به آزادی و آزادگی بکشاند تا هر انسان با خرد خویشتن مایه نجات خود و دیگران شود. وی هدف آفرینش را نگرهبانی از درستی می‌داند که با آن گیتی آراسته‌تر می‌شود» (شهبازی، ۱۴۰۰: ۱۰).

همان‌طور که در آغاز شاهنامه نیز خداوند با صفت خردآفرینی ستایش شده است:

به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه بر نگذرد

(فردوسی، ۱۳۹۶: ۱)

شکل ۴. کتیبه داریوش در نقش رستم (livius.org)

«اهوره مزدا خدای بزرگ است که این زمین را آفرید که آن آسمان را آفرید که مردم را آفرید که شادی را برای مردم آفرید که داریوش را شاه کرد» (لوکوک، ۱۳۸۹: ۲۶۱).

محمد معین در باب متن فوق گفته است: «قطعه ذیل که در هیجده کتیبه شاهان هخامنشی (داریوش بزرگ - خشایارشا و اردشیر سوم) تکرار شده، شعار هخامنشی و سرود دینی آن عهد محسوب می‌گردید» (معین، ۱۳۲۵: ۲۶).
گفتنی است که در کتیبه اردشیر سوم در تخت جمشید به جای «شادی را برای مردم آفرید» چنین آمده است: «خوشبختی را برای مردم آفرید» (لوکوک، ۱۳۸۹: ۳۲۹).
در زراتشت‌نامه نیز خداوند به آفرینش زمین و آسمان ستایش شده است:

خداوند هفت آسمان و زمین برازنده عرش و چرخ برین

(بهرام‌پژدو، ۱۳۳۸: ۱)

۲-۱-۶. نیاز دینی از اهورامزدا و ایزدان دیگر

در کتیبه‌های هخامنشی علاوه بر ستایش، پادشاهان هخامنشی نیازهای دینی خود را از اهورامزدا و سایر ایزدان می‌خواستند و در سنگ‌نوشته‌ها درج می‌کردند. یادآوری نکته‌ای ضروری می‌نماید که مربوط به نام سایر ایزدان در کتیبه‌های تخت جمشید از اردشیر دوم و سوم است.

میترا آیین دیرینه و مشترک ایران و هند است که در ریگ‌ودا نیز به کرات به آن اشاره شده است. آسموسن می‌نویسد: «مهر به علت رابطه‌ای که با طبقه جنگاوران و در نتیجه با کشتارهای اعیاد بزرگ قربانی داشت رسوا شده بود. این که زندگی می‌توانست از مرگ پدید آید، از نظر زرتشت توهم و خیالی باطل به شمار می‌رفت که

وی به برانداختن آن کمر بسته بود؛ اما محبوبیت مهر تا به آنجا ریشه داشت که نمی‌شد یک‌باره او را نادیده انگاشت» (آسموسن، ۱۳۷۲: ۴۵).

بر همین اساس بود که قبل از ظهور زرتشت و چندین دهه بعد از ظهور وی نیز مهرپرستی در ایران رواج داشت. چنان که فردوسی حکیم نیز در شاهنامه به آن در «پادشاهی کی کاووس» اشاره کرده است:

ز چهره بشد شرم و آیین مهر همی گرز بارید گفתי سپهر

(فردوسی، ۱۳۹۶: ۱۵۲)

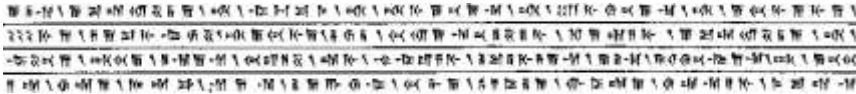
علاوه بر میترا، ایزد دیگری به نام «آناهیتا» نیز در کتیبه‌ها دیده می‌شود. آناهیتا از زمره ایزدانی است که در اوستا ستایش شده و موکل آب است: «اهوره مزدا به سپنتمان زرتشت گفت: ای سپنتمان زرتشت! آردویسور آناهیتا را - که در همه جا [دامان] گسترده، درمان‌بخش، دیوستیز و اهورایی کیش است - به خواست من بستای! اوست که در جهان آستومند، برازنده‌ی ستایش و سزاوار نیایش است» (اوستا، آبان یشت، کرده یکم: ۱).

در زیر به چند نمونه نیاز دینی پادشاهان از ایزدان و اهورامزدا که در کتیبه‌ها حک شده است، اشاره می‌کنیم:

داریوش شاه می‌گوید: «این مردم پارس که اهوره‌مزدا به من داد، بسیار خوب، با اسبان خوب، با مردان خوب، به خواست اهوره‌مزدا و به خواست من. داریوش شاه از هیچ دیگری نمی‌ترسد. اهوره‌مزدا با تمام خدایان مرا بپاید و اهوره‌مزدا این مردم را بپاید از سپاه دشمن، از گرسنگی و از دروغ؛ بر این مردم سپاه دشمن، قحطی و دروغ چیره نشود. این همان چیزی است که همچون موهبتی از اهوره‌مزدا با تمام خدایان می‌خواهم، اهوره‌مزدا با تمام خدایان این را همچون موهبتی به من دهد» (لوکوک، ۱۳۸۹: ۲۷۲-۲۷۱).

در یسنا ۳۳ بند دوم و سوم به صورت تلویحی از دشمن، قحطی و دروغ با عنوان «هریمن» یاد شده است: «کسی که با اندیشه یا کلام خود با اهریمن مخالفت می کند، یا با کار دو دست خود، کسی که مردم را به نیکی آن ها راهنمایی می کند، یک پیشنهاد شایسته ایمان به هدف شما ارائه می دهد، ای اهورامزدا! کسی که نسبت به راستکاران بسیار نیکوکار باشد، نجیب باشد، دهقان باشد یا وابسته باشد، کسی که غیرت آفرینش زنده خوب را شکوفا می کند، باید در قلمرو ذهن خوب با حقیقت زندگی کند» (Irani, yasna, 2019, 33:2-3).

اردشیر دوم در کتیبه شوش فرمان درج این متن را داده است:



شکل ۵. کتیبه اردشیر دوم در شوش (اطلس تاریخ ایران)

«داریوش جد من این آپادانا را ساخت؛ سپس در زمان پدربزرگم اردشیر آپادانا سوخت، حال به خواست اهوره مزدا، اناهیتا و میثره، من فرمان به بازسازی آپادانا دادم، اهوره مزدا، اناهیتا و میثره مرا در برابر تمام بدی ها بپایند» (لوکوک، ۱۳۸۹: ۳۲۷).

طبق بررسی های انجام شده، ستایش اهوره مزدا و سایر ایزدان در شش درون مایه از کتیبه های هخامنشی انجام شده است.

۲-۲. کتیبه های ساسانی

حال به بررسی ستایش در کتیبه های دوره ساسانی (فارسی میانه) می پردازیم و محتوای هریک را نوشته و به آوردن شواهد اهتمام می ورزیم:

۲-۲-۱. چند ایزدی

با آغاز پادشاهی ساسانیان، آیین مهرپرستی در اوایل (دوره پادشاهی شاپور یکم و نرسی) در ایران رواج داشت که رفته‌رفته کم‌رنگ‌تر می‌شود تا آن‌جا که در کتیبه‌ها هم نمی‌توان ردپای آن را دید:



شکل ۶. کتیبه شاپور یکم در کعبه زرتشت (home.mehromah.ir)

«آنکه پس از ما خداوندگار باشد، او ایزدان را نیک‌پرستار و نیک‌کامه باشد، او را ایزدان آن‌گونه یاور باشند که ما را بودند» (اکبرزاده، طاووسی، ۱۳۸۵: ۳۵).

کتیبه شاپور اول در کعبه زردشت از چندین بُعد از پُرهمیت‌ترین کتیبه‌های دوره ساسانی است. این کتیبه، منبعی کهن برای مطالعه ساختمان زبان پهلوی و زبان پارتی است. از نظر تاریخی شرح حوادث مهم در آن آمده است و نیز با مطالعه آن تا حدودی به تشکیلات اداری و مناصب مهم این دوره پی می‌بریم. علاوه بر آن، ذکر تعداد بسیاری از نام‌های خاص در این کتیبه بر گنجینه نام‌های خاص ایرانی می‌افزاید. «شاپور در این نوشته مفصل پس از معرفی خود، استان‌های کشور را نام می‌برد و سپس آتشکده‌هایی را نام می‌برد که برای رستگاری روان خود و خاندانش برپا داشته و از نثارها و موقوفاتی که برای آن‌ها اختصاص داده است، یاد می‌کند. سنگ‌نوشته با دعا و اندرز پایان می‌پذیرد» (آموزگار، تفضلی، ۱۳۸۲: ۲۰).

پایانی‌ترین کتیبه که در آن به صراحت به آنها اشاره شده است، کتیبه نرسی در پایکولی است: «و هنگامی که ما دیدیم آن پرورده (نامه) را پس به نام اورمزد و همه ایزدان و بانو آنها از ارمنستان به سوی ایران شهر آمدیم» (همان: ۷۲).

۲-۲-۲. حمایت

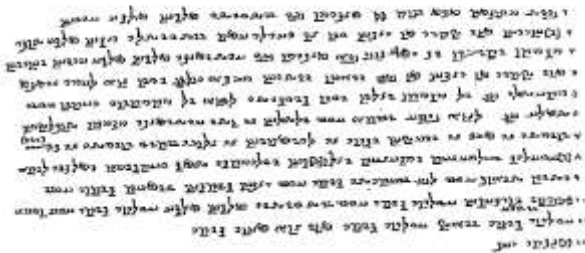
حمایت ایزدان از شخص در کتیبه‌ها کمتر از سایر موضوعات مطرح شده است: «و هنگامی که وهونام دید [آن را با پشتی (حمایت)] ایزدان فره و شهر خدایگان داد (بخشید) به ما» (همان: ۷۷). پشتیبانی ایزدان در «درخت آسوریک» به زیبایی بیان شده است:

مرا هرمزد ورجاوند و دادار است پشتیبان عبث چون با منی، ای دیو، سوی کارزار آبی
(طبری، ۱۳۵۸: ۲۴۲)

۲-۲-۳. سجده بر اهورامزدا

نماز بردن به اهورامزدا در کتیبه «شاپور سکان‌شاه» در چند جا (سطر ۴-۱۱-۱۲) آمده است: «که چهر از ایزدان در دربار ایشان بغان نماز برد و به این راه ... آفرین کرد و نیز آن کسی که این مان (خانه) کرد (ساخت) یعنی آن ستاینندگان ایزد را» (اکبرزاده، طاووسی، ۱۳۸۵: ۱۵۴).

کتیبه ی شاپور سکانشاه (ŠPs I)



شکل ۷. کتیبه شاپور سکان‌شاه (همان: ۱۵۲)

مختاری در «شهریارنامه» سجده بر اهورامزدا را بدین‌گونه به نظم کشیده است:

خدای جهان را ستودن گرفت همی روی بر خاک سودن گرفت

(مختاری غزنوی، ۱۳۵۸: ۱۰۲)

۲-۲-۴. نیاز دینی

نیاز دینی در کتیبه‌ها همان طور که در کتیبه‌های هخامنشی نیز بررسی شد، یک امر سیال در کتیبه‌نویسی بوده است؛ همانطور که در «کتیبه سلوک» دیده می‌شود: «و آنچه که کرده باشد برای ایزدان و شاپور شاهان، شاه خوب به نظر برسد و من بنده نیز که [این] کرده بکنم، برای ایزدان و ایشان بغان شاپور شاهان شاه را کرفه [= ثواب]» (اکبرزاده، طاووسی، ۱۳۸۵: ۱۶۰).

نیاز دینی از جمله خواهش‌ها و تمناهایی است که هر انسانی از خدا می‌طلبد تا خداوند نام او را جاودانه کند چنان چه در منظومه‌های فارسی آمده است:

چه بیچاره گشتم مرا چاره ساز	که بیچارگان را تویی چاره‌ساز
دلم را ز شمع خرد برفروز	شب محنتم را پدیدآر روز
چه نامم تو دادی تو کن نامیم	مرا خاص خود خوان اگر عامیم

(خواجوی کرمانی، ۱۳۴۸: ۳)

شاهنامه مملو است از این نیایش‌هایی که درون‌مایه آن نیاز دینی است. ما در این جا به نمونه‌ای بسنده می‌کنیم:

بپیچید بر خویشتن بیژنا	به یزدان بنالید ز آهرمنا
چنین گفت کای کردگار از مرا	رهایی نخواهد بدن ز ایدرا
ز گرگین تو خواهی مگر کین من	برو بشنوی درد و نفرین من

(فردوسی، ۱۳۹۶: ۴۴۰)

۲-۲-۵. یاری‌گر

- «تا ایزدان یار [اند]، مست و دروغ اندر [او] نیست» (اکبرزاده، طاووسی، ۱۳۸۵: ۱۶۲)؛
 - «وقتی شنیدم رومیان آمدند، پس من ایزدان را در خواست نمودم» (همان: ۲۰۲).
 یاری‌خواهی از اهورامزدا در کتیبه‌های ساسانی با کتیبه‌های هخامنشی تفاوت عمده‌ای دارد که می‌توان به یاری‌خواستن برای آبادانی در کتیبه‌های هخامنشی اشاره کرد؛ ولی در سنگ‌نوشته‌های ساسانی یاری‌خواستن در جهت نیاز دینی و پیروزی بر دشمن و اهریمن است.

۳. نتیجه‌گیری

بر اساس بررسی‌های به عمل آمده از کتیبه‌های عصر هخامنشی و ساسانی، چنین به دست آمد که ستایش اهورا مزدا در کتیبه‌های شاهان هخامنشی بیشتر است و داریوش شاه از بین سایر پادشاهان بیشترین ستایش را دارد. میزان بسامد ستایش در کتیبه‌های هخامنشی شش صفت گنجانده شده است و در این شش صفت نیز، ردپای سایر صفات مشاهده می‌شود که هم‌پوشانی می‌شود. در سنگ‌نوشته‌های عصر ساسانی این تعداد به پنج صفت تقلیل یافته است.

کتیبه‌های هخامنشی هرچه به عصر پادشاهی اردشیر نزدیک‌تر می‌شود، به صراحت از ایزدان آن‌اهیتا و میثره (میترا) نام برده می‌شود. در کتیبه‌های هخامنشی اساس بر ایدئوگرام و اندیشه‌نگار است؛ اما با این حال اسامی ایزدان دیگر به‌وضوح دیده می‌شود. این جریان سیال در کتیبه‌های ساسانی به‌ویژه در کتیبه‌های به‌جا مانده از شاپور یکم و نرسه قابل مشاهده است و رفته‌رفته این روند کم‌رنگ‌تر می‌شود و به‌صراحت از آن‌ها نامی به میان نمی‌آید.

نام اهورامزدا در همه کتیبه‌ها نیامده است؛ زیرا برخی از کتیبه‌ها مانند کتیبه نیسا به مواردی از قبیل شراب و جام اشاره دارد. علاوه بر آن، در کتیبه‌های پهلوی نیز از اهورامزدا نامی برده نشده است. کتیبه‌هایی هم که از اهورامزدا نام برده‌اند - همانطور

که در متن اشاره شد - اهورامزدا در کتیبه‌های هخامنشی به یاور بودن، بزرگی، همه‌چیز بر طبق خواست و اراده او بودن، پاداش‌دهنده و بخشنده، آفریننده و بی‌نیاز مطلق - که پادشاهان بر او نیازمندند - ستوده شده است و در کتیبه‌های ساسانی نیز علاوه بر یاور بودن و بی‌نیازی اهورامزدا، به حامی بودن و شایسته سجده و تعظیم مورد ستایش قرار گرفته است.

به لحاظ تنوع و کثرت کتیبه‌های هخامنشی، وجود ستایش در آن به وضوح قابل مشاهده است؛ اما از آنجاکه کتیبه‌های ساسانی دستخوش حوادث شده است و بعضاً از بین رفته است، مطالعه و پیگیری ستایش و سایر موضوعات در آن دشوار است.

کتاب‌شناسی

کتاب‌ها

- ۱) آموزگار، زاله و تفضلی، احمد (۱۳۸۲)، *زبان پهلوی ادبیات و دستور آن*، تهران: نشر معین.
- ۲) اکبرزاده، داریوش و طاووسی، محمود (۱۳۸۵)، *کتابخانه‌های فارسی میانه*، تهران: نشر نقش هستی.
- ۳) ام‌یامانچی، ادوین (۱۳۹۰)، *ایران و ادیان باستانی*، ترجمه منوچهر پزشک، تهران: نشر ققنوس.
- ۴) *اوستا* (۱۳۸۵)، گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه، تهران: نشر مروارید.
- ۵) باقری، مه‌ری (۱۳۹۱)، *تاریخ زبان فارسی*، تهران: نشر ققنوس.
- ۶) بهرام‌پژدو، زرتشت (۱۳۳۸)، *زرتشت‌نامه*، تهران: کتابخانه طهوری.
- ۷) بویس، مری (۱۳۸۶)، *بررسی ادبیات مانوی در متن‌های پارتی و پارسی میانه*، ترجمه امید بهبهانی و ابوالحسن تهامی، تهران: نشر نگاه.
- ۸) خواجه‌کرمانی، کمال‌الدین ابوالعطاء محمودبن‌علی بن محمود (۱۳۴۸)، *همای و همایون*، تصحیح کمال عینی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ۹) ربانی مقدم، حسین‌علی (۱۳۹۰)، *کتابخانه داریوش در بیستون*، تهران: نشر بوکتاب.
- ۱۰) رجبی، پرویز (۱۳۸۱)، *هزاره‌های گمشده*، جلد ۳، تهران: نشر توس.
- ۱۱) رضی، هاشم (۱۳۶۷)، *فارسی باستان*، تهران: نشر فروهر.
- ۱۲) طبری، احسان (۱۳۵۸)، *سفر جادو*، تهران: نشر آفا.
- ۱۳) فرنیغ‌دادگی (۱۳۸۵)، *بندھشن*، به کوشش مهرداد بهار، تهران: نشر توس.
- ۱۴) فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۹۶)، *شاهنامه*، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: نشر قطره.
- ۱۵) *گات‌ها* (۱۳۸۴)، ترجمه ابراهیم پورداوود، تهران: نشر اساطیر.
- ۱۶) لوکوک، پی‌یر (۱۳۸۹)، *کتابخانه‌های هخامنشی*، ترجمه نازیلا خلخالی، تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز.

۱۷) مختاری غزنوی، عثمان (۱۳۵۸)، *شهریارنامه*، به اهتمام غلامحسین بیگدلی، تهران: بی‌جا.

۱۸) یانگ، کایلر و گیرشمن، رمان و همکاران (۱۳۸۵)، *ایران باستان*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر مولی.

-Irani, D.J (2019), *The Gathas The Hymns of Zarathushtra*, Createspace Independent Publishing Platform.

مقاله

۱) آسموسن، پس‌پیتر (۱۳۷۲)، «*آیین میترا (مهر)*»، ترجمه کیکاووس جهان‌داری، نشریه کنگ فلسفه، شماره ۴۵، ۴۶، صص ۴۴-۵۰.

۲) اکبری، احسان و یوسف جمالی، محمدکریم و همکاران (۱۳۹۸)، «*مطالعه مبحث مشروعیت حکومت‌های ایران باستان براساس کتیبه‌ها: مطالعه موردی امپراتوری هخامنشی*»، فصلنامه علمی - پژوهشی، پژوهشنامه تاریخ، شماره ۵۴، صص ۶۳-۸۹.

۳) شهبازی، محمد (۱۴۰۰)، «*چهره تابناک زرتشت در نگاه ملک‌الشعرا بهار*»، فصلنامه چهره‌نما، شماره ۱۹۷، صص ۸-۱۲.

۴) معین، محمد (۱۳۲۵)، «*جنبه دینی کتیبه‌های هخامنشی*»، نشریه آهنگ، صص ۲۶-۳۱.

سایت

اطلس تاریخ ایران (۱۴۰۰). به نقل از

<http://iranatlas.info>

کتیبه نقش رستم (۱۴۰۰). به نقل از

www.livius.org/sources/content/achaemenid-royal-inscriptions/a1pa

کتیبه شاپور یکم (۱۴۰۰) به نقل از

<http://home.mehromah.ir/mehromah-learn/articles/16644-Inscription-Shapur-Kaaba-Zoroaster.html>

